

یادداشت

اهمیت افتراق رفتاری ترامپ و نتانیاهو برای ما



محمدرضاجلالی

روان‌شناس و پژوهشگر رفتارشناسی سیاسی

♦ یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی دونالد ترامپ که شکل مرضی به خود می‌گیرد، خودشیفتگی او است. فرد خودشفته به هر ایزه‌ای غیر برای خود باور و اعتنایی ندارد و تنها وقتی هر مسئله‌ای به جذب خواسته‌های فردی و درونی او درآید، صرف‌نظر از هر اتفاق تبعی دیگری، به تشفی می‌رسد. از این‌رو است که می‌بینیم ترامپ در هر موضوع غالباً غیرمنطقی و بیشتر ماجراجویانه‌ای که وارد می‌شود، آن موضوع به هر گونه‌ای که تمام شود، او پایان ماجرا را سوداگرانه در جهت موفقیت خود جمع‌بندی می‌کند. از رهگذر این خودشیفتگی، او به کیش شخصیت و رفتار خودمدارانه و تحکم‌گرایانه و طلبکارانه دچار است و باز از این‌رو است که می‌بینیم تبعات پیش‌بینی‌نشده و ناخوشایند جنگی که آن را در تعامل با شخصیت ایدئولوژیک و ضدایرانی نتانیاهو علیه ایران و ایران‌بان به راه انداخته است، بر گردن نزدیکان مطیع و متملق خود همچون استیو بیتکاف، مارکو روبیو، جراد کوشر و بیت هگستس فرافکتی می‌کند. آنها نیز بنا بر تجربه و شناختی که از او دارند در تأمین خرسندی ایگوستریکش هم فرمان مذاکره او را مورد تأیید قرار می‌دهند و هم دستور جنگی او را تحسین می‌کنند. البته این احتمال نیز هست که بر مبنای این شناخت تجربی و در جهت منافع اسرائیل، نتیجه مذاکرات را مطابق نظرات نتانیاهو تغییر و تحریف کرده و به او القا می‌کردند. برعکس ترامپ که مقهور خودشیدایی و صفات غیرتعادلی شخصیتی است، نتانیاهو شدیداً فردی ایدئولوژیک و مقهور ایدی فورس توسعه‌گرایی فاشیستی و صهیونیستی است و در اقتصاد به این اسطوره مشروعیت‌بخش رفتاری به هر عمل پیش‌دستانه و پس‌دستانه سفاگانه و شدیدالعباقانه دست می‌زند. برای کسی همچون نتانیاهو در موضع صدارت و قدرت در حاکمیت اسرائیل، وجود رئیس‌جمهوری همچون ترامپ در قدرت و ریاست آمریکا، وجود مغتیمی است که شاید هر صد سال یک بار توفیق آن فراهم آید. به این دلیل است که اسرائیل قادر شده در دوره این رئیس‌غیرمتعارف را خودمدار، منویات بسیاری از اسرائیلیان را که به‌سادگی امکانی برای به عمل درآمدن بخشی از آنها در دوره رؤسای جمهور دیگر متصور نبود، فعلیت و عینیت ببخشد. کشتار وحشیانه و دوساله فلسطینی‌ها در غزه و ارتکاب دو حمله جنگی به ایران که در دومی به نحوی بدون برنامه و شتاب‌گرایانه و غیرحسابه‌گرایانه آمریکا نیز مستقیم طرف جنگی شد، از مهم‌ترین مصادیق این بهره‌جویی فرصت‌طلبانه و هدف‌مندانه اسرائیل از آمریکا و علیه ایران و ایران‌بان است. کارآمدی دقت‌مند و هدف‌مند و سرعت‌مندی که در دیگر مداخلات و تهاجمات امپریالیستی آمریکا در بسیاری از نقاط جهان به نسبت دیده می‌شده، تقریباً در این ابتدا و ابتکار به تجاوز و تهاجم جنگی مفقود بوده است. به این ترتیب می‌توان با خواش ما فی‌الضمیر دو طرف جنگی با ایران و درک و فهم نقش و دیدگاه‌گیری افتراقی از ترامپ و نتانیاهو، به ترفندی هوشمندانه در تفکیک شیوه رویارویی جنگی دست یافت. نتانیاهو همچنان بر هدف‌های درشت ضدایران و ضدایرانی متمرکز است و تا آخرین فرصت‌ها به هدف برجای گذاری زمین سوخته، تشدید جنگی را برای تخریب و کشتار به شرط حضور و حمایت آمریکا تعقیب می‌کند؛ اما ترامپ به‌تدریج بر اثر چالش‌ترادیسپونی در آمریکا که حتما شدت می‌گیرد و مخالفت حضور در جنگی طولانی که با مواضع انتخاباتی‌اش کاملاً معارض است و تاوان‌های نظامی و سیاسی و تلفات احتمالا فرآینده که حکما در داخل آمریکا تشنج‌را و بالا‌برنیده تظاهرات ضدجنگی است، تغییر نظر و جهت می‌دهد. عدم شتاب‌گیری این نوع تظاهرات ضدجنگی فعلا ناشی از تکاپوی خانانه بخشی از ایرانیان است که مردم کشورها را به خطای تشخیصی در مخالفت با جنگ می‌اندازد. او استعداد دوگانه‌گویی و نوسان‌های گفتاری و رفتاری نیز دارد و می‌تواند به قدرت بیندیشد نتایج جنگی به سود خود و شکستن تقصیرات بر سر اطرافیان و حتی اسرائیل که بسیاری از کارشناسان و سیاست‌مداران آمریکایی نیز به آن اشاره کرده‌اند، به همان شتاب‌بینندیشده‌ای غیرضرور و بی‌برون از منافع ملی آمریکا وارد جنگ شدد از جنگ خارج شود و نتانیاهو و اسرائیل را به قبول تصمیم و عمل انجام‌شده ناگزیر کند. لازم است طرف ایرانی بر این مبانی با ترامپ و پیشنهادهای مستقیم و واسطه‌مند او در آتش‌بس عمل کند؛ هر قدر تضمین برای آتی می‌تواند بگیرند، بگیرند؛ اما بهره‌گیری از فرصت‌ها را به تأخیر که بعضاً دیده شده، نیندازند. فی‌التأخیر آفات، شکار لحظه‌های مناسب مؤید شناخت هم‌لانه و ذهن‌خوانانه حریفان و رقبای نظامی در موقعیت‌های پیچیده سیاسی و جنگی است.

خبرخوان

شهادت ۵ دانشجوی دانشگاه تهران

♦ رئیس دانشگاه تهران در پیامی، شهادت پنج نفر از دانشجویان این مجموعه آموزشی را در حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکای جایتاکر تسلیت گفت. بر همین اساس نرگس حاجی ملاحیدر، کارشناس ارشد رشته علوم و فناوری شبکه دانشجویان علوم و فناوری‌های میان‌رشته‌ای، سلمان حبیبی، دکتری رشته مالی دانشجویان مدیریت، محمدمهدی صفره، کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، مجید میرمحمدی، کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی و محمدمهدی ازگلی، کارشناسی رشته فیزیک دانشجویان علوم، در حملات اخیر شهید شده‌اند. در این پیام آمده است: «در طول تاریخ دانشگاه تهران، در مبارزه با استکبار، در جنبش‌های اصیل دانشجویی، در ایام پیروزی انقلاب اسلامی، در دوران دفاع مقدس و پس از آن در دوره‌های مختلف، دانشجویان زیادی با بذل جان خویش، یادگارهای زینبی بر صحایف افتخار تاریخ این سرزمین افزوده‌اند و تاریخ دانشگاه را نیز با حماسه و افتخار مزین کرده‌اند.»

♦ **مجلس شورای اسلامی** در جلسه ۱۲۰امین خود، با تصویب ۱۰۰ رأی، **روز جهانی شهید** را در روز ۲۲ شهریور تعیین کرد.

♦ **مجلس شورای اسلامی** در جلسه ۱۲۰امین خود، با تصویب ۱۰۰ رأی، **روز جهانی شهید** را در روز ۲۲ شهریور تعیین کرد.

برگ سبز و کارت **خودرو دنا پلاس اتوماتیک آپشنال توربوشارژ** به رنگ تیره ای **تیتانیوم تپ EF7TCA مدل ۱۴۰۴** به شماره پلاک **۴۴۱ و ۹۴ ایران ۵۷** و شماره موتور **153H0291209** و شماره شاسی **NAAW61HYESDM93996** و ردیف قرارداد **۱۵۴۷۲۷۲۴۲** بنام **خانم فهیمه مرادی** مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک گواهینامه موقت پایان تحصیلات با فارغ التحصیلی **ایناجناب آرش اسدی‌پاک** فرزند عباس به شماره شناسنامه ۳۳۹۷۳ صادره از کوه‌دشت در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به شماره ۱/۶۸۰۵/ف مورخه ۱۳۸۸/۰۷/۰۷ و شماره تمبر ۱۰۰۱۴۵۶ صادر گردیده است مفقود گردیده و فاقد اعتباری می باشد. لذا ازباینده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج به نشانی ذیل ارسال نمایند. استان کردستان شهرستان سنندج سه راهی دانشگاه دانشجویان زیادی با بذل جان خویش، یادگارهای زینبی بر صحایف افتخار ادب سایت مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج کدپستی ۶۶۱۶۹۳۵۳۹۱ معاومت دانشجویی و فرهنگی _اداره فارغ التحصیلان صندوق پستی ۶۱۸

زنی از دور می‌دود؛ بی‌پسر شدم، او صبح روز سه‌شنبه

از انفجار ناشی از موشکباران خیابان جاجرودی رسالت

باخبر شده است. با انگشت اشاره خانه پسرش را به نیروهای امدادی که پشت نوار زردرنگ ایستاده‌اند، نشان می‌دهد؛ واحدی که جز چند اسکلت کج و معوج چیزی از آن نمانده است. صدای او در شویون آدم‌های دیگر گم می‌شود. چند بار به صورت سرخ خود سیلی می‌زند. همه جاسدای گریه و فریاد آدم‌ها به گوش می‌رسد. از ابتدای خیابان طرقي که کوچه جاجرودی در آن قرار دارد، اثرات انفجار را می‌توان دید؛ اثراتی که مردم به‌گذر را نگه می‌دارد تا با بهت و حیرت به خانه‌ها و دیوارهایی بنگرند که انفجار آنها را تخریب کرده است. هدف حمله موشکباران، ساختمانی اداری بود اما تحت تأثیر آن یک مجتمع مسکونی که به گفته اهالی، ۲۰ واحدی بود، به‌طور کامل ویران شده و خانه‌های اطرافش هم آسیب‌های جدی دیده‌اند.

«۴انف ره زیر آوار جان دادند»

همه به تماشای فروریختن ساختمان‌هایی آمده‌اند که روزی در هر پنجره از آن زندگی جریان داشته است؛ مانند داستان زندگی خانواده‌ای که همه با هم زیر آوار ماندند. زن و مرد میان‌سالی با لباس‌هایی نه‌چندان مرتب خودشان را به این خیابان رسانده‌اند، روی دست‌انسان می‌زنند و محو ماشین‌های سنگین جلوی ساختمان‌ها شده‌اند؛ «اینجا خانه پسرم بود، پسر و عروسم چند روزی است از تهران رفته‌اند ولی همه خانواده عروسم در خانه بودند. ۱۴ نفر کشته شده‌اند. همه خانواده عروسم کشته شدند.» زنی آن طرف خیابان با چهره‌ای رنگ‌پریده طول پیاده‌راه را می‌رود و برمی‌گردد، در لحظه انفجار از خواهر جوانش بی‌خبر است. زن دیگری پتوسی آبی‌رنگی روی دوش او می‌اندازد: «از خواهرش بی‌خبر است. خانه خواهرش در آتش انفجار سوخته است.»

«به پسرم چه بگویم» هر گوشه خیابان، افرادی نشسته، ایستاده، در بغل یکدیگر و تکیه داده به دیوار، در حال گریه‌کردن هستند. ناگهان صدای یکی از گریه‌ها بالا می‌رود، زنی از خودرویی که در نزدیکی کوچه پارک شده است پیاده می‌شود و چند زن دیگر را که تازه رسیده‌اند، در آغوش می‌گیرد: «جگرم سوخت. کاش من آنجا بودم.» افرادی دور آنها جمع می‌شوند. مردی، گریان می‌گوید: «مادرشان در دختر جوان خواهرش را میان آوار یکی از این مجتمع‌ها گم کرده است. از صبح که خبر را شنیده دچار لکنت شده و به‌سختی جملات را ادا می‌کند. زن و مرد جوانی بازوهای او را گرفته‌اند تا داخل ماشین بنشیند، اما آنها را پس می‌زند: «خواهرم، خواهرم، خواهرم کجاست؟». از بین جمعیت دو زن میانسال نوار زرد سر کوچه را کنار می‌زنند و خودشان را به مجتمع‌های تخریب‌شده می‌رسانند: «وای، خدایا بیا بین چه به سر خانه آمده.» یکی از آنها مضطرب‌تر به نظر می‌رسد. دست زن دیگر را می‌گیرد و با خود می‌کشد. آنها هم همین چند ساعت قبل از این حادثه باخبر شده‌اند. چادر مشکی آنها با گردوخاک هوای این منطقه، خاکستری شده است.



عکس‌های عکاس کوری شرق

گزارش میدانی «شرق» از موشکباران چند مجتمع مسکونی در یکی از خیابان‌های رسالت که جان خیلی‌ها را گرفت

فاجعه جنگ در «جاجرودی»

زنی از دور می‌دود؛ بی‌پسر شدم، او صبح روز سه‌شنبه

از انفجار ناشی از موشکباران خیابان جاجرودی رسالت

باخبر شده است. با انگشت اشاره خانه پسرش را به نیروهای امدادی که پشت نوار زردرنگ ایستاده‌اند، نشان می‌دهد؛ واحدی که جز چند اسکلت کج و معوج چیزی از آن نمانده است. صدای او در شویون آدم‌های دیگر گم می‌شود. چند بار به صورت سرخ خود سیلی می‌زند. همه جاسدای گریه و فریاد آدم‌ها به گوش می‌رسد. از ابتدای خیابان طرقي که کوچه جاجرودی در آن قرار دارد، اثرات انفجار را می‌توان دید؛ اثراتی که مردم به‌گذر را نگه می‌دارد تا با بهت و حیرت به خانه‌ها و دیوارهایی بنگرند که انفجار آنها را تخریب کرده است. هدف حمله موشکباران، ساختمانی اداری بود اما تحت تأثیر آن یک مجتمع مسکونی که به گفته اهالی، ۲۰ واحدی بود، به‌طور کامل ویران شده و خانه‌های اطرافش هم آسیب‌های جدی دیده‌اند.

«هرچه داشتم تمام شد»

اینجا بر از چهره‌های درهم‌شکسته‌ای است که شاید دیگر به قبل از این حادثه بازنگردند؛ مثل پسر درشت‌اندامی که کنار جدول خیابان نشسته و با چشمان سرخ، بعد از چند ثانیه سکوت، با صدای بلند فقط می‌گوید: «خدایا، خدایا». آن‌طرف‌تر بی‌زنی تمام مدت با تلفن همراه خود صحبت می‌کند، تلفن را قطع می‌کند از خانه‌اش می‌گوید که ناپود شده است؛ «بین چیزی از خانه مانده؟ به نظرت دیگر خانه‌ای خواهم داشت؟ تمام شد، هرچه داشتم تمام شد. دیروز خانه دخترم بودم، اینجا را که زدند، آمدم دیدم دیگر خانه‌ای نمانده، خاکستر شده است.» صدایش می‌لرزد و اشک از چشمانش سرازیر می‌شود. دخترش که زنی جوان است، مادر را محکم در بغل می‌فشارد.

در یک بیت حلبی آتشی روشن است، چند نفر زنی را که پتویی دور آن پیچیده است به کنار آتش می‌آورند. او نیز برادرش را از دست داده و از دیشب منتظر است تا از زیر آوار، نشانه‌ای از او بیاورند. کنار جوی آب نیز یک مرد روی زمین نشسته و اشک می‌ریزد، روی دست او هنوز پانسمان سرم مانده و چند نفر در حال دل‌داری‌دادن به او هستند. مردی نیز با هودی‌ای سبزرنگ خیره به آواربرداری شده است. او خانه‌اش را در موشکباران از دست داده و زمان رفته‌ایم. صبح شنیدیم که اینجا را زده‌اند، منتظر به خانه مادرم رفته‌ایم. صبح شنیدیم که اینجا را زده‌اند، منتظر هم‌سرم نیز برسد تا ببینیم باید چه کار کنیم». آن دو تازه ازدواج کرده بودند و حالا خانه خود را از دست داده‌اند؛ «دیگر امیدی برایم نمانده. این خانه همه چیز ما بود». در آن سمت نوارهای زرد آتش‌نشنان و افرادی در حال بیرون آوردن وسایل سالم از میان آوار و بولدوزرها مشغول آواربرداری هستند. یک لباسشویی و چند قطعه لوازم برقی در گوشه خیابان چیده شده است. از ساختمانی که مورد اصابت قرار گرفته هنوز دود بلند می‌شود. شلنگ‌های آتش‌نشانی بر زمین کشیده شده‌اند و آب در حال ریخته‌شدن بر ساختمان است. موشک حداقل چهار خانه را تخریب کرده است. یکی از آتش‌نشنان با دست مسئول عملیات را نشان می‌دهد، او پاسخی به ما نمی‌دهد. آتش‌نشان دیگری هشدار می‌دهد زودتر برگردیم، زیرا ساختمان در حال ریختن است. در یکی از واحدهای ساختمان، کتابخانه‌ای آتش‌گرفته پیدا است، باقی واحدها اما قطعه سالمی ندارند. یکی می‌گوید: «در اینجا حداقل ۲۰ واحد آسیب دیده است». با حساب سرانگشتی می‌توان حجم خسارات و آسیب جانی حادثه را بسیار بالا دانست.

مردی دیوانه‌وار با یک روزمیوزی و ماهی‌تابه‌ای از بین جمعیت، در خیابان «طرقي» راه می‌رود، به آدم‌ها نگاه می‌کند و می‌گوید: «از خانه‌ام فقط همین‌ها برایم مانده است.» جنگ زندگی آدم‌های این منطقه را همچون بسیاری دیگر از بین برده است. مجتمع‌های تخریب‌شده بر اثر موشکباران از اطراف میدان رسالت هم مشخص است؛ خانه‌هایی که غروب روز دوشنبه بر سر مردم نیمه‌سوخته.



خبرهای روز

آسیب به ۳۴۹ نقطه پایتخت در جنگ

سختکوی شهرداری تهران از ۳۴۹ نقطه آسیب‌دیده در پایتخت خبر داد. عبدالمطهر محمدخانی اعلام کرد: «شهرداری تهران همچون جنگ ۱۲روزه در کنار مردم قهرمان پایتخت قرار دارد و شهرداری در مراحل مختلف، از عملیات امداد و نجات تا اسکان اضطراری و بازسازی و از نظافت و سامان‌دادن به شهر تا حمل‌ونقل عمومی در کنار همشهریان است.» او افزود: «از زمان اصابت موشک، نیروهای شهرداری بلافاصله با کمک نیروهای هلال‌احمر و اورژانس آواربرداری اولیه برای نجات افرادی را که زیر آوار مانده‌اند، انجام می‌دهند. در ادامه و بدون وقفه، همکاران ما در شهرداری‌های مناطق و نواحی ورود می‌کنند و کار آواربرداری اساسی و بازگشایی معابر را در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام می‌دهند. این در حالی است که در همه این مراحل در ساعت‌های اولیه امکان حمله مجدد دشمن در همان نقطه وجود دارد.» براساس اعلام او، تاکنون به ۳۴۹ نقطه در شهر آسیب وارد شده است. در این مدت ۸۹۹ خانوار (دوهارو ۸۵۴ شهروند) برای اسکان به متل‌ها معرفی شده‌اند. این افراد در مجموع در ۱۲ مجموعه اقامتی اسکان داده شده‌اند. شهرداری تهران علاوه بر ظرفیت خود، مجموعه‌های اقامتی و اسکان دیگری را نیز اجاره کرده است. او افزود: «سامانه ۱۳۷ داخلی سه تماس و نرم‌افزار موبایلی شهرزاد هم دیگر راه‌های ارتباطی در این‌باره هستند و همچنین از روز اول جنگ با دستور شهردار تهران و بنا بر اختیارات قانونی، حمل‌ونقل در تهران رایگان شد.» محمدخانی ادامه داد: «متموعیت ورود به محدوده طرح ترافیک تا اطلاع ثانوی لغو شده است و همچنین هیچ‌گونه کمبودی در تهیه و توزیع اقلام و کالاهای اساسی وجود ندارد. ۳۱۶ میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران در این روزها از ساعت هشت صبح بی‌وقفه تا ساعت ۱۶ و ۵۵ فروشگاه شهروند نیز از ساعت هشت تا ۱۷ و در صورت نیاز تا ۱۹ به مردم خدمات ارائه می‌دهند. تاکنون ۸۱ ایستگاه مترو و تعدادی از مدارس و ساختمان‌های تجاری خصوصی برای پناگاه مناسب تشخیص داده شده که از این‌تعداد ۳۲ ایستگاه مترو در حال حاضر قابلیت استفاده به عنوان پناگاه را دارند.»

آوار شد و خودروهای پارک‌شده در خیابان که حالا جز لاشه‌ای از آنها چیزی نمانده است. حمله موشکی به یکی از مراکز اداری باعث تخریب کامل مجتمع‌های این کوچه شده است. موج انفجار ساختمان‌های اطراف تا شعاع بیش از ۳۰۰ متر را نشانه گرفته است؛ از اداره پست نبش کوچه سه‌د تا خانه‌هایی که در کوچه‌های کناری همه بدون دیوار و پنجره شده‌اند؛ همه عریان شده‌اند.

در این‌کوچه دیگر نشانی از زندگی یافت نمی‌شود، ساختمان‌های بلند در حال سوختن از آتش انفجار روز دوشنبه هستند و مردی با موهای سفید و لباس سر تا پا خاکی به این ویرانی نگاه می‌کند: «خانه‌ام سوخت، لغت بر باعث و بانی‌اش.»

اینجا پر از روایت آدم‌هایی است که عزیزی را زیر آوار خانه‌ها جا گذاشته‌اند؛ جنگ‌زده‌هایی که این روزها آواره شده‌اند. چند چادر سفید با نشان هلال‌احمر در اطراف کوچه «سه‌د» و «جاجرودی» دیده می‌شود. مردی که از نیروهای هلال‌احمر است، چند پوشه و پرونده در دست دارد و در حال نوشتن شرح حالی است. زنی که خانه‌اش تخریب شده و از این چادرها بیرون می‌آید، می‌گوید: «اینجا قرار است خسارت‌های ما را ارزیابی کنند. نمی‌دانم چقدر قرار است به ما کمک کنند، ولی فکر می‌کنم دیگر هیچ‌وقت این درباری و زندگی من برنمی‌گردد. نگاه نکن که اینجا سالم مانده بردارند.»

تمام عمرم جلوی چشمانم خراب شد.» در محوطه اصلی حادثه، تخریب ادامه دارد. ساختمان‌ها در حال فروریختن هستند و نیروهای امدادی به مردم هشدار می‌دهند کسی جلو نرود. اما تعدادی از ساکنان قصد ورود به برخی از ساختمان‌ها را که هنوز چیزی از آن مانده، دارند تا اگر وسیله‌ای از خانه‌هایشان سالم مانده بردارند. مردی میانسال می‌گوید: «دلمان خوش است شاید چیزی در خانه سالم مانده باشد و بتوانیم برداریم. زندگی‌مان خراب شده. دیگر با وسیله‌ای بدون وسیله، آن‌هم وسایلی که احتمالاً نیمه‌سوخته باشند.» اما همچنان منتظر است؛ انتظار برای اجازه مأموران امدادی برای ورود به ساختمان نیمه‌سوخته.



♦ **مجلس شورای اسلامی** در جلسه ۱۲۰امین خود، با تصویب ۱۰۰ رأی، **روز جهانی شهید** را در روز ۲۲ شهریور تعیین کرد.

♦ **مجلس شورای اسلامی** در جلسه ۱۲۰امین خود، با تصویب ۱۰۰ رأی، **روز جهانی شهید** را در روز ۲۲ شهریور تعیین کرد.